



خرداد ۱۴۰۴

گزارش عملکرد تجارت خارجی ایران (سال ۱۴۰۳)



مرکز پژوهش اتاق بازرگانی گیلان

رشت - بلوار ولیعصر - شماره ۶۷۴ - کدپستی ۴۱۶۹۷-۶۶۵۴۸

۰۱۳-۳۳۷۵۷۰۳۷-۸

www.iccimguil.ir



بسم الله الرحمن الرحيم

شناسنامه



عنوان

گزارش عملکرد تجارت خارجی ایران (سال ۱۴۰۳)

تهیه و تنظیم: مرکز مطالعات و پژوهش‌های اتاق گیلان

کارشناس: محمدرضا تقی‌زاده جورشری

انتشاردهنده: روابط عمومی اتاق گیلان

خرداد ۱۴۰۴

آدرس: رشت - بلوار ولیعصر - شماره ۶۷۴ - کدپستی ۴۱۶۹۷-۶۶۵۴۸

۰۱۳۳۷۵۷۰۳۷-۳۸

guilanccima@gmail.com

www.iccimguil.ir



صاحب امتیاز: اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی گیلان

استفاده از مطالب این گزارش با ذکر منبع بلامانع است.



مقدمه

امروزه، استخراج و انتشار به‌هنگام و مطلوب آمار تجارت خارجی از طیف گسترده‌ای از داده‌ها، پنجره‌ای رو به سوی پویایی‌های بازار جهانی و منطقه‌ای می‌گشاید و تصویری جامع از جریان کالاها و خدمات، شرکای تجاری، محصولات مورد تقاضا و فرصت‌های بالقوه ارائه می‌دهد. آمار تجارت خارجی، با فراهم آوردن اطلاعات مورد نیاز برای تحلیل بازار، شناخت ترجیحات و رفتارهای مشتریان، ارزیابی عملکرد رقبا و درک سیاست‌های دولت‌ها، نقش مهمی در توانمندسازی فعالان اقتصادی ایفا می‌کند. این امر به نوبه خود، به تصمیم‌گیری‌های آگاهانه در زمینه‌هایی مانند انتخاب بازارهای هدف، توسعه محصولات جدید، بهینه‌سازی زنجیره‌های تأمین و مذاکره با شرکای تجاری منجر می‌شود. براین اساس، گزارش تجارت خارجی ایران در سال ۱۴۰۳ با استناد به آمار رسمی ماهانه اعلام شده از سوی گمرک جمهوری اسلامی ایران تدوین و جهت بهره‌برداری فعالان اقتصادی کشور و استان منتشر شده است. گزارش تجارت خارجی استان گیلان نیز به عنوان گزارش مکمل، بزودی تهیه و در دسترس علاقه‌مندان قرار خواهد گرفت.

مجموع مبادلات تجاری کشور

در دوازده ماهه سال ۱۴۰۳، میزان صادرات قطعی کالاهای غیرنفتی کشور (به استثنای نفت خام، نفت کوره و نفت سفید و همچنین بدون صادرات از محل تجارت چمدانی)، بالغ بر ۱۵۲ میلیون تن و به ارزش ۵۷۸ میلیارد دلار بوده که در مقایسه با مدت مشابه سال قبل، افزایشی ۱۰۰۳ درصدی در وزن و ۱۵۰۶۲ درصدی در ارزش دلاری را تجربه کرده است. صادرات ایران در سال ۱۴۰۳، نمایی روشن از سیاست‌های اقتصادی متمرکز بر فرآورده‌های انرژی محور را به تصویر می‌کشد. بررسی آمارها نشان می‌دهد که گاز طبیعی با ارزشی بالغ بر ۶ میلیارد و ۸۶۶ میلیون دلار، در صدر اقلام صادراتی قرار دارد. پروپان مایع شده با ۳ میلیارد و ۶۳۵ میلیون دلار و بوتان مایع شده با ۲ میلیارد و ۲۱۱ میلیون دلار، به ترتیب رتبه‌های دوم و سوم را به خود اختصاص داده‌اند. این ترکیب صادراتی، گویای رویکردی هوشمندانه در جهت ایجاد ارزش افزوده و تنوع بخشی به منابع درآمدی کشور است. تمرکز بر صادرات فرآورده‌های گازی، به جای اتکای صرف به نفت خام، مزایای قابل توجهی را به همراه دارد. نخست، ریسک ناشی از نوسانات شدید قیمت نفت در بازارهای جهانی کاهش می‌یابد. دوم، سهم محصولات با ارزش افزوده بالاتر در سبد صادراتی کشور که منجر به ارزآوری بیشتر و تقویت بنیه اقتصادی می‌شود افزایش پیدا می‌کند. سوم، فرصت‌های شغلی بیشتر در صنایع مرتبط با فرآوری گاز ایجاد می‌شود. علاوه بر این، صادرات فرآورده‌های گازی، به تقویت برند صادراتی ایران در عرصه بین‌المللی کمک می‌کند.



افزایش صادرات غیرنفتی می‌تواند نشانه‌ای مثبت از تلاش‌ها در جهت تنوع‌بخشی به اقتصاد کشور و کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی تلقی شود. در شرایطی که تحریم‌های بین‌المللی همچنان به عنوان یک محدودیت جدی بر اقتصاد ایران سایه افکنده‌اند، افزایش صادرات غیرنفتی می‌تواند نقش مهمی در تأمین ارز موردنیاز کشور و حمایت از تولید داخلی ایفا کند.

آمار واردات کشور در سال ۱۴۰۳، تصویری پیچیده از وضعیت اقتصادی و تجاری ایران را به نمایش می‌گذارد. میزان واردات کشور در این مدت، با کاهش ۰.۷۷ درصدی در وزن و افزایش ۸.۲۲ درصدی در ارزش دلاری در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته، به ارقام ۳۹.۳ میلیون تن و ۷۲.۴ میلیارد دلار رسیده است. کاهش وزن واردات می‌تواند ناشی از عوامل مختلفی باشد. نخست، این احتمال وجود دارد که سیاست‌های انقباضی وارداتی و یا موانع تجاری اعمال شده از سوی دولت، در کاهش حجم واردات مؤثر بوده باشند. دوم، تغییر در الگوی مصرف و تقاضا در داخل کشور، به نحوی که تمایل به مصرف کالاهای با وزن کمتر و یا کالاهای تولید داخل افزایش یافته باشد، نیز می‌تواند در این کاهش نقش ایفا کند. سوم، کاهش توان خرید اقشار مختلف جامعه به دلیل تورم و افزایش قیمت‌ها نیز می‌تواند سبب کاهش تقاضا برای کالاهای وارداتی و در نتیجه کاهش وزن واردات شود. از سوی دیگر، افزایش ارزش دلاری واردات نشان می‌دهد که علی‌رغم کاهش حجم، ارزش کلی کالاهای وارداتی افزایش یافته است. این افزایش می‌تواند ناشی از افزایش قیمت کالاهای وارداتی در بازار جهانی و یا افزایش سهم کالاهای با ارزش افزوده بالا در سبد وارداتی کشور باشد. همچنین، نوسانات نرخ ارز و تضعیف ریال در برابر دلار نیز می‌تواند به طور مستقیم بر افزایش ارزش دلاری واردات تأثیرگذار باشد. به عبارت دیگر، حتی با واردات همان میزان کالا، ارزش دلاری آن به دلیل افزایش نرخ ارز، بیشتر خواهد بود. تحلیل این دو شاخص در کنار یکدیگر، نمایان می‌سازد که احتمالاً کشور در سال ۱۴۰۳ بیشتر به سمت واردات کالاهای ضروری، واسطه‌ای و سرمایه‌ای با ارزش افزوده بالا با هدف تأمین نیازهای اساسی صنایع و بخش‌های تولیدی متمایل شده است.

بر اساس داده‌های گمرک، سه قلم عمده کالای وارداتی شامل طلای خام به ارزش ۸ میلیارد و ۵۱ میلیون دلار، ذرت دامی با ۲ میلیارد و ۹۷۸ میلیون دلار و تلفن‌های همراه هوشمند با ۲ میلیارد و ۴۰۲ میلیون دلار بوده‌اند. واردات طلای خام که بخش قابل ملاحظه‌ای از واردات را به خود اختصاص داده است، می‌تواند به دلایل مختلفی از جمله استفاده در صنایع، سرمایه‌گذاری و یا ذخایر ارزی توجیه شود. با این حال، وابستگی بیش از حد به واردات طلا می‌تواند نشان‌دهنده ضعف در تولید داخلی و یا عدم استفاده بهینه از منابع موجود باشد. واردات ذرت دامی، به عنوان یکی از مهم‌ترین نهاده‌های دامی، نشان‌دهنده نیاز اساسی بخش کشاورزی و دامپروری کشور به این محصول است. وابستگی به واردات ذرت دامی می‌تواند امنیت غذایی کشور را در معرض خطر قرار داده و نیازمند برنامه‌ریزی دقیق برای افزایش تولید داخلی و یا تنوع‌بخشی به منابع تأمین باشد.



همچنین واردات تلفن‌های همراه هوشمند، نشان‌دهنده وابستگی بازار مصرف ایران به فناوری‌های روز دنیا و ارتقای سطح فناوری و ارتباطات در کشور است. کنجاله سویا با یک میلیارد و ۹۵۴ میلیون دلار، دانه سویا با یک میلیارد و ۳۱۸ میلیون دلار، انواع کشنده با یک میلیارد و ۲۷۳ میلیون دلار، برنج با یک میلیارد و ۲۶۶ میلیون دلار و قطعات منفصله جهت تولید اتومبیل سواری با یک میلیارد و ۵۳ میلیون دلار نیز در رتبه‌های بعدی کالاهای عمده وارداتی کشور قرار دارند. این اقلام، نشان‌دهنده آن هستند که بخش قابل توجهی از واردات کشور، با هدف تقویت امنیت غذایی، تداوم تولید داخلی و پاسخگویی به نیازهای صنعتی صورت می‌پذیرد. به عبارت دیگر، این کالاهای، نقشی کلیدی در تأمین زنجیره‌های تولید کشور ایفا می‌کنند و عدم واردات به موقع آن‌ها، می‌تواند پیامدهای نامطلوبی همچون اختلال در فرآیند تولید، افزایش بی‌رویه قیمت‌ها و کاهش عرضه در بازار داخلی را به دنبال داشته باشد.

جدول ۱- مقایسه تجارت خارجی کالاهای غیرنفتی با مدت مشابه سال قبل.

فعالیت	۱۲ ماهه سال ۱۴۰۳		۱۲ ماهه سال ۱۴۰۲		درصد تغییرات	
	وزن (هزارتن)	ارزش (میلیون دلار)	وزن (هزارتن)	ارزش (میلیون دلار)	وزن	دلار
صادرات	۱۵۱,۹۷۱	۵۷,۸۴۴	۱۳۸,۱۱۸	۵۰,۰۲۸	۱۰۰.۳	۱۵.۶۲
واردات	۳۹,۲۵۸	۷۲,۳۷۵	۳۹,۵۶۱	۶۶,۸۷۷	-۰.۷۷	۸.۲۲

منبع: دفتر آمار و پردازش اطلاعات گمرک ج.ا.ایران.

در نهایت با توجه به وزن و ارزش صادرات و واردات ثبت شده، مجموع مبادلات تجاری کشور به لحاظ وزن در سال ۱۴۰۳، ۱۹۱ میلیون تن و به ارزش ۱۳۰ میلیارد دلار بوده است. تراز تجاری منفی ۱۴.۵۳ میلیارد دلاری ایران در سال ۱۴۰۳، نشان‌دهنده شکاف قابل توجه بین واردات و صادرات غیرنفتی است. با کسر ۸ میلیارد دلار واردات طلا (که عمدتاً برای مدیریت تعهدات ارزی صورت گرفته)، کسری تجاری به ۶.۴۸ میلیارد دلار کاهش می‌یابد. این رقم همچنان بیانگر وابستگی بالای اقتصاد به واردات کالاهای اساسی و واسطه‌ای (مواد اولیه، قطعات، نهاده‌های کشاورزی) و ضعف در توسعه صادرات غیرنفتی است. ورود حجم بالای طلا به عنوان یک دارایی غیرمولد، اگرچه ممکن است به ثبات موقت بازار ارز کمک کند، اما فاقد ارزش افزوده پایدار برای اقتصاد بوده و نشان می‌دهد کشور برای تأمین نیازهای ارزی خود به ابزارهای کوتاه‌مدت متکی است. برای بهبود تراز تجاری، ضروری است سیاست‌هایی مانند افزایش رقابت‌پذیری صادرات غیرنفتی، کاهش وابستگی به واردات از طریق توسعه تولید داخلی، و تنوع‌بخشی به منابع درآمدی ارزی در اولویت قرار گیرد. این چالش‌ها در شرایط تحریم و محدودیت دسترسی به بازارهای جهانی، پیچیده‌تر می‌شود.



جدول ۲- تحلیل مقایسه‌ای تراز تجاری کشور.

شاخص	ارزش (میلیارد دلار)
صادرات غیرنفتی	۵۷.۸۴
واردات	۷۲.۳۷
تراز تجاری	-۱۴.۵۳
واردات طلای خام	۸.۰۵
تراز تعدیل شده	-۶.۴۸

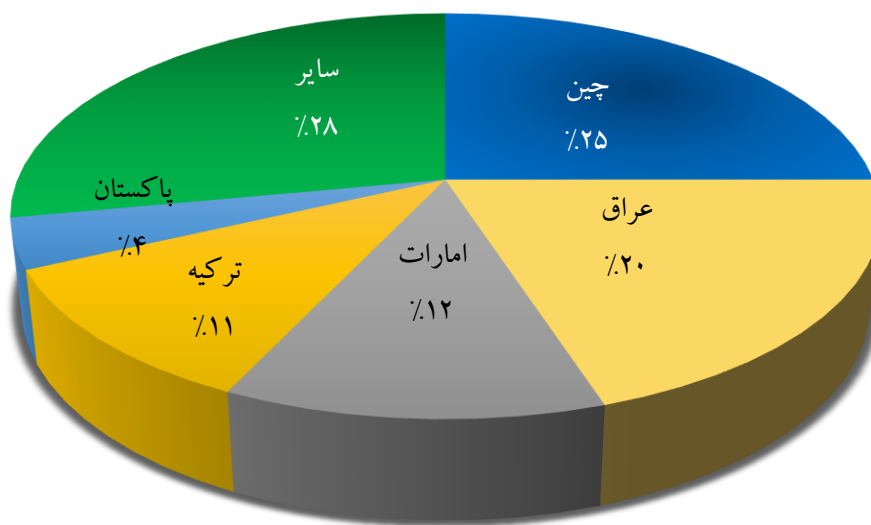
منبع: مرکز پژوهش‌های اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی گیلان.

مقاصد اصلی صادرات ایران

یکی از نکات برجسته در عملکرد صادراتی کشور در سال ۱۴۰۳، تمرکز بر بازارهای آسیایی و به ویژه چین است. صادرات به چین با رقمی بالغ بر ۱۴,۸۵۴ میلیون دلار (معادل ۱۴۸۵ میلیارد دلار) و سهم ۲۵.۶۸ درصدی از کل ارزش صادرات، بزرگ‌ترین بازار صادراتی ایران محسوب می‌شود. این امر می‌تواند نشان‌دهنده موفقیت نسبی سیاست‌های اقتصادی در راستای متنوع‌سازی بازارهای هدف و جایگزینی یا تقویت بازارهای سنتی با بازارهای جدید باشد. عراق نیز با ۱۱,۹۴۱ میلیون دلار (معادل ۱۱۹۴ میلیارد دلار) و سهم ۲۰.۶۴ درصدی، همچنان نقش کلیدی خود را به عنوان یکی از بازارهای اصلی صادراتی ایران حفظ کرده است. اهمیت این بازار، ناشی از نزدیکی جغرافیایی، روابط فرهنگی و اقتصادی دیرینه و نیازهای رو به رشد بازار عراق است. امارات متحده عربی با ۷,۲۰۱ میلیون دلار (معادل ۷۲۰ میلیارد دلار) و سهم ۱۲.۴۵ درصد، ترکیه با ۶,۸۸۹ میلیون دلار (معادل ۶۸۸ میلیارد دلار) و سهم ۱۱.۹۱ درصد و کشور پاکستان با ۲,۴۲۳ میلیون دلار (معادل ۲۴۲ میلیارد دلار) و سهم ۴.۱۹ درصد از کل ارزش و در نهایت افغانستان با ۲ میلیارد و ۴۱۴ میلیون دلار (معادل ۲۴۱ میلیارد دلار) و هند با یک میلیارد و ۸۹۹ میلیون دلار (معادل ۱۸۹ میلیارد دلار) در رده‌های بعدی مقاصد صادراتی ایران قرار دارند.

از ۵۷.۸۴ میلیارد دلار صادرات غیرنفتی کشور ۴۷.۶۲ میلیارد دلار مربوط به ۷ کشور می‌شود؛ یعنی بیش از ۸۲.۴ درصد صادرات ایران تنها به ۷ کشور خلاصه می‌شود. کاهش نسبی صادرات به برخی کشورهای دیگر، هشدار برای سیاست‌گذاران اقتصادی است. این کاهش می‌تواند ناشی از عوامل سیاستی، تغییرات در تقاضای بازار، یا رقابت فزاینده در عرصه بین‌المللی باشد. درک دقیق دلایل این کاهش و اتخاذ تدابیر مناسب برای حفظ و گسترش بازارهای صادراتی فعلی، از اهمیت بسزایی برخوردار است.

سهم صادرات



نمودار ۱- مقاصد اصلی صادراتی کشور در سال ۱۴۰۳.

منبع: مرکز پژوهش‌های اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی گیلان.

کشورهای عمده طرف معامله واردات

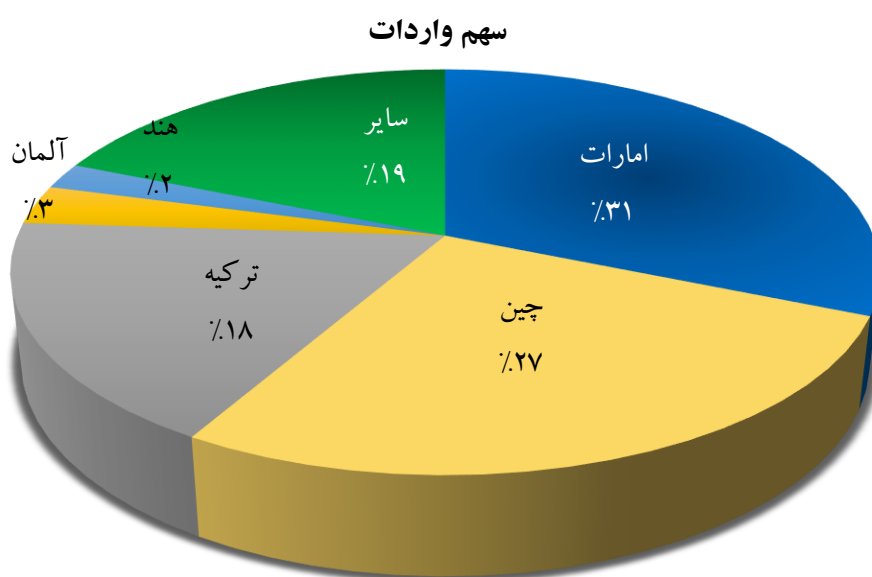
داده‌های مربوط به واردات کشور در سال ۱۴۰۳، نشانگر توزیع قابل توجهی در میان کشورهای طرف معامله است. امارات متحده عربی با اختصاص دادن سهمی بالغ بر ۳۰.۳۷ درصد از کل ارزش واردات و رقمی بالغ بر ۲۱,۹۸۱ میلیون دلار (معادل ۲۱.۹۸ میلیارد دلار)، در صدر فهرست تأمین کنندگان کالا به ایران قرار دارد. این حجم قابل توجه از واردات از امارات، اهمیت این کشور را به عنوان یک شریک تجاری کلیدی برای ایران در این دوره زمانی به اثبات می‌رساند و نشانگر نقش آن به عنوان یک مرکز ترانزیتی و تجاری منطقه‌ای است.

پس از امارات، چین با اختصاص سهمی ۲۶.۷۰ درصدی و ارزش ۱۹,۳۲۵ میلیون دلار (معادل ۱۹.۳۲ میلیارد دلار) در جایگاه دوم قرار می‌گیرد. حضور چین در این فهرست، تداوم و تعمیق روابط اقتصادی بین دو کشور را نشان می‌دهد. حجم بالای واردات از چین می‌تواند منعکس کننده واردات طیف وسیعی از کالاها، از محصولات صنعتی و ماشین‌آلات گرفته تا کالاهای مصرفی باشد. ترکیه با سهم ۱۷.۲۳ درصدی و ارزش ۱۲,۴۷۴ میلیون دلار (معادل ۱۲.۴۷ میلیارد دلار)، در رتبه سوم جای گرفته است. این میزان واردات، نزدیکی جغرافیایی و روابط تجاری نسبتاً پایدار بین ایران و ترکیه را نمایان می‌سازد. واردات از ترکیه شامل مواد اولیه، کالاهای واسطه‌ای و برخی محصولات مصرفی است. در سطحی پایین‌تر، آلمان با ۲,۴۳۰ میلیون دلار (معادل ۲.۴۳ میلیارد دلار) و سهم ۳.۳۶ درصد و هند با ۱,۷۴۷ میلیون دلار (معادل ۱.۷۴ میلیارد دلار) و سهم ۲.۴۱ درصد از کل ارزش واردات، در رتبه‌های بعدی قرار دارند. با وجود اینکه سهم این دو کشور نسبت به سه



کشور نخست کمتر است، اما واردات از آلمان و هند همچنان حائز اهمیت است. واردات از آلمان شامل تجهیزات صنعتی پیشرفته، ماشین‌آلات تخصصی و فناوری‌های نوین است، در حالی‌که واردات از هند می‌تواند شامل مواد اولیه، محصولات کشاورزی و برخی کالاهای تولیدی باشد. همچنین، هنگ کنگ با ۱,۳۹۴ میلیون دلار (معادل ۱.۳۹ میلیارد دلار) و فدراسیون روسیه با ۱,۳۵۰ میلیون دلار (معادل ۱.۳۵ میلیارد دلار) در فهرست ۷ کشور واردکننده کالا به ایران قرار دارند. به طور کلی، این آمارها تصویر روشنی از ساختار وارداتی ایران در سال ۱۴۰۳ ارائه می‌دهند. تمرکز واردات بر روی چند کشور محدود، به ویژه امارات متحده عربی و چین، نشانگر وابستگی نسبی اقتصاد ایران به این شرکای تجاری است.

در واقع، واردات نیز همچون صادرات محدود به ۷ کشور شده و ۶۰.۷۰ میلیارد دلار کالا معادل ۸۰ درصد واردات کشور صرفاً از آن‌ها انجام می‌پذیرد. تمرکز بیش از حد واردات بر تعداد محدودی از کشورها می‌تواند آسیب‌پذیری‌های اقتصادی قابل توجهی را به وجود آورد. این وابستگی شدید به تعداد محدودی از شرکای تجاری، ریسک‌های متعددی را به همراه دارد. نخست آنکه، هرگونه اختلال در روابط تجاری با این کشورها، چه به دلایل سیاسی، اقتصادی، یا حتی بلایای طبیعی، می‌تواند زنجیره تأمین کالا و خدمات ضروری را مختل کرده و منجر به کمبود و افزایش قیمت‌ها در داخل کشور شود. دوم اینکه، این تمرکز می‌تواند قدرت چانه‌زنی ایران را در مذاکرات تجاری کاهش دهد. زمانی که وابستگی به یک کشور خاص برای تأمین کالاهای اساسی بالا باشد، آن کشور می‌تواند شرایط تجاری نامساعدی را تحمیل کند. سوم اینکه، محدود شدن واردات به کشورهای خاص، مانع از دسترسی به تنوع کالایی و فناوری‌های نوین از سایر نقاط جهان می‌شود.



نمودار ۲- کشورهای عمده طرف معامله واردات در سال ۱۴۰۳.

منبع: مرکز پژوهش‌های اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی گیلان.



جمع‌بندی

کارنامه تجارت خارجی ایران در سال ۱۴۰۳، تصویری نسبتاً روشن از پویایی‌های اقتصادی کشور در مواجهه با چالش‌های متعدد ارائه می‌دهد. با وجود موانع گوناگون، عملکرد نسبتاً موفق در حوزه صادرات، گواهی بر تاب‌آوری و ظرفیت‌های بالقوه اقتصاد ایران است. این دستاورد، به ویژه با تمرکز بر بازارهای منطقه‌ای، به عنوان یک استراتژی هوشمندانه در شرایط فعلی قابل ارزیابی است. اتکا به این رویکرد، فرصت‌های ارزشمندی را برای توسعه روابط تجاری و تقویت حضور ایران در منطقه فراهم آورده است. با این حال، بررسی دقیق‌تر داده‌ها، ضرورت توجه به جنبه‌های دیگر را نیز آشکار می‌سازد. افزایش ارزش واردات در کنار تمرکز فزاینده بر بازارهای محدود، زنگ خطر است که نیازمند رویکردی جامع‌تر و آینده‌نگرانه است. تنوع‌سازی بازارهای صادراتی، نه تنها وابستگی به بازارهای محدود را کاهش می‌دهد، بلکه امکان بهره‌مندی از فرصت‌های جدید و افزایش انعطاف‌پذیری در برابر نوسانات اقتصادی را فراهم می‌سازد. علاوه بر این، افزایش رقابت‌پذیری کالاهای ایرانی، نقشی محوری در حفظ و گسترش سهم بازار در عرصه‌های بین‌المللی ایفا می‌کند. سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه، ارتقای کیفیت محصولات و کاهش هزینه‌های تولید، از جمله اقداماتی هستند که می‌توانند به بهبود جایگاه کالاهای ایرانی در بازار جهانی کمک کنند. در نهایت، کاهش وابستگی به واردات، از طریق توسعه تولیدات داخلی و حمایت از صنایع نوپا، می‌تواند به تقویت بنیه اقتصادی کشور و افزایش خودکفایی منجر شود. اتخاذ سیاست‌های حمایتی هوشمندانه، تقویت دیپلماسی اقتصادی و توسعه روابط تجاری با کشورهای مختلف، تشویق سرمایه‌گذاری در بخش‌های کلیدی و تسهیل فرآیندهای تولید، از جمله راهکارهایی هستند که می‌توانند در این راستا مورد توجه قرار گیرند.